

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور تحلیل گفتمانی تاریخ: گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران / فاطمه رستمی
مشخصات نشر قم: لوگوس، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری ۲۴۲ ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۳۷-۳-۲
وضع فهرست نویسی فیفا
موضوع ایران- تاریخ- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. / Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505
موضوع دبیران دیوانی- ایران / Court secretaries -- Iran*
موضوع سیاستمداران -- ایران- تاریخ / Politicians -- Iran -- History
موضوع ایران -- تاریخ -- قرن ۷ - ۱۰ ق. / Iran -- History -- 13-16th centurie
رده بندی دنگره DSR ۱۰۸۶/۵ ت ۳ ۱۳۹۷
رده بندی ده بندی ۹۵۵/۰۶
شماره کتابشناسی ملی ۲۰۶۴۷



تحلیل گفتمانی تاریخ: گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران

فاطمه رستمی

ویراستار: مولود زبیاکلام

طراح جلد: حسین راست منش

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۳۷-۳-۲

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید آن کلا یا جزئا، به هر شکل هم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

موبایل مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه آنلاین

www.irlogos.com

به یاد مادر و پدر عزیزم

تقدیم به همسر عباس

و

دخترم آرنیکا

www.Ketab.ir

فهرست

مقدمه ناظران علمی مجموعه گفتمان شناسی.....	ذ
پیشگفتار.....	م
مقدمه.....	۱
۲. ربرد تحلیل گفتمان در متون تاریخی.....	۱۱
مدل بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون.....	۱۴
..... اظهاری.....	۱۴
..... فعال سازی و منفعل سازی.....	۱۵
..... مشخص سازی و نام مشخص سازی.....	۱۵
..... نام دهی و سبب دهی.....	۱۶
..... نوع ارجاعی (ا. ا. عام و ا. ا. صریح).....	۱۷
..... پیوند زنی و پیوند زایی.....	۱۷
..... تشخیص بخشی و تشخیص زدایی.....	۱۷
۳. گفتمان جنگ و تدبیر تاروی کار حسن تیموریان.....	۲۱
..... شاخص های گفتمان تدبیر.....	۳۱
..... خرد ملک داری.....	۳۲
..... هنر نویسندگی.....	۳۶
..... گفتمان جنگ در گذر تاریخ.....	۳۸
..... شاخص گفتمان جنگ.....	۴۷
..... رویکرد نظامی گری.....	۴۸
۴. تحول گفتمان جنگ و تدبیر: دوره اول تیموری.....	۵۵
..... مروری بر منابع دوره تیمور و شاه رخ.....	۵۸
..... بازنمایی مولفه های گفتمان مدار در گزارش های منتخب دوره اول تیموری.....	۶۲
..... گزارش مربوط به حوزه امارت.....	۷۰
..... تسخیر شهر اصفهان توسط سپاهیان تیمور.....	۷۱
..... گزارش دوم: بررسی دو گزارش از تاج السلمانی و حافظ ابرو.....	۷۸
..... گزارش تاج السلمانی.....	۷۹
..... گزارش حافظ ابرو.....	۸۰
..... گزارش مربوط به اقدامات وزیران.....	۸۲
..... گزارش دوم: الف) منصب یافتن وزیران.....	۸۲

۸۳	گزارش دوم: ب) دستگیری وزیران
۸۹	کنشگران اجتماعی
۸۹	تعامل مولفان و صاحبان قدرت در تحول گفتمانی نهاد امارت و وزارت
۱۰۵	جایگاه امیران و وزیران در تحول گفتمانی نهاد امارت و وزارت
۱۲۷	تحول گفتمان جنگ و تدبیر در دوره دوم تیموریان: جانشینان شاهرخ
۱۳۰	ررسی متون دوره پایانی
۱۳۱	بازنمایی مولفه‌های گفتمان مدار در متون منتخب دوره پایانی
۱۴۰	گزارش حوزه وزارت
۱۴۴	گزارش حوزه وزارت
۱۴۴	روزگار کاتبین خاندان قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی وزیر
۱۴۴	گزارش خاندان میر و اسفندی
۱۴۶	گزارش کمال‌الدین عبدالرزاق میرقندی
۱۴۷	کنشگران اجتماعی
۱۴۷	تعامل مولفان و صاحبان قدرت در طرحی تحول گفتمانی نهاد امارت و وزارت
۱۶۵	جایگاه امیران و وزیران در تحول جنگ و تدبیر
۲۱۱	نتیجه
۲۱۵	فهرست مآخذ

مقدمه ناظران علمی مجموعه گفتمان‌شناسی

نشر لوگوس در زمینه‌های مسئولیتی که برای خود در جهت تعمیق روش‌های پژوهش در کشور تعریف کرده است، چندین مجموعه کتاب را در دستور کار خود قرار داد. در کنار مجموعه روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، که دربرگیرنده نگاهی کلی‌تر به روش‌های کمی و کیفی است، مجموعه‌های دیگری را در دست دارد که به طور خاص بر برخی حوزه‌های روشی متمرکزند؛ مانند «رشته‌شناسی انتقادی» و حوزه گسترده گفتمان‌شناسی که به خاطر گستردگی‌شان نیاز به ترجمه‌های جداگانه دارد.

اگر پیدایش تحلیل گفتمان انتقادی در غرب را به کتاب زبان و کنترل در سال ۱۹۷۹ نسبت بدهیم، شکل‌گیری آن در ایران حدوداً به سیست سال بعد، یعنی نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی بازمی‌گردد؛ زمانی که دکتر یارم‌عدی در دانشگاه شیراز و دکتر دبیرمقدم در دانشگاه علامه طباطبائی در تهران در درس «تئریه و تحلیل کلام» به تحلیل گفتمان انتقادی اشاره می‌کردند. هر چند پیدایش این حوزه مطالعاتی با تاخیری بیست ساله اتفاق افتاد، اما در طی دهه ۸۰ و ۹۰، آنچنان به لحاظ کمی و کیفی اهمیت و گستردگی رشد داشته است که به جرأت می‌توان گفت امروز دیگر وضعیت این علم در ایران چندان فاصله‌ای با کشورهای پیشرو در این حوزه ندارد.

در دهه اخیر در غرب، تحلیل گفتمان انتقادی چه به لحاظ روشی و چه به لحاظ موضوعات و حوزه‌های به کارگیری شکلی اختصاصی‌تر به خود گرفته است که منجر به افزایش کارایی آن شده است. از این رو، دیگر زمان آن رسیده است که در ایران نیز از قالب‌های کلی تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی کمی فاصله بگیریم و با این روش‌ها و حوزه‌های جدید آشنا گردیم.

در این مجموعه، همان‌طور که در صفحه دو کتاب فهرست برخی از آنها آمده است، کتب متعددی تعریف شده‌اند. اولین کتاب مجموعه، گفتمان، هویت و مشروعیت: خود و

دیگری در بازنمایی‌های برنامه هسته‌ای ایران است که رساله دکتری مجید خسروی نیک در دانشگاه لنکستر زیر نظر روث وداک است. این کتاب چه به لحاظ موضوعی که به یکی از مهمترین چالش‌های بین‌المللی ایران در سال‌های اخیر می‌پردازد و چه به لحاظ روشی مبتنی بر روش گفتمانی-تاریخی وداک است برای مخاطبان ایران اهمیت دارد. به ویژه این که روش گفتمانی-تاریخی وداک قابلیت بسیاری برای به کارگیری در رشته تاریخ دارد. چارچوب نظری و روشی مناسبی را فراهم می‌آورد تا بتوان از آن منظرنگرشی جدید به اتفاقات قدیم و جدید کرد. به ویژه کتاب فوق برای مطالعه تاریخ معاصر کارآیی بالایی دارد.

کتاب دوم مجموعه نیز هم به لحاظ موضوعی اهمیت دارد هم به لحاظ روشی. کتاب گفتمان و مدیریت، نخستین گزینده موثر، حوزه جدید میان رشته‌ای گفتمان و مطالعات مدیریتی و سازمانی را تحت پوشش قرار می‌دهد و به لحاظ روشی نیز با آوردن نمونه‌های تحلیل کوتاه از بهترین‌های رشته، الگوی خوبی برای پژوهش در این زمینه‌ها را نشان می‌دهد.

راهنمای گفتمان‌شناسی تاریخی، که توسط راتلیج در سال ۲۰۱۸ چاپ شده است، یکی از مهمترین کتاب‌های مجموعه گفتمان‌شناسی تاریخی لوگوس است. این کتاب راهنما (دست‌نامه) در اصل دارای پنج بخش است که به دلایلی ترجیح داده شد به فارسی به صورت یک مجموعه پنج جلدی به شکل زیر چاپ شود: راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۱. رویکردها؛ راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۲. روش‌های تحلیل؛ راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۳. بینارشته‌ای؛ راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۴. طبقات اجتماعی و قدرت؛ راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۵. حوزه‌ها و رسانه‌ها. این مجموعه پنج جلدی که به تدریج به علاقمندان گفتمان‌شناسی تقدیم خواهد شد آیین رویکردها، روش‌های تحلیل، حوزه‌های کاربرد و ابعاد دیگر تحلیل گفتمان انتقادی را به توسط بهترین متخصصان هر حوزه نوشته شده‌اند، مطرح می‌کند.

کتابی که در اختیار دارید، تحلیل گفتمانی تاریخ: گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران، یکی از مهمترین کتاب‌های مجموعه گفتمان‌شناسی است. تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری و تحول تحلیل گفتمان در ایران، پژوهشگران حوزه تاریخ در ایران نیز به این مباحث توجه ویژه‌ای نشان دادند و تلاش کرده‌اند به شکلی نوع‌آورانه از رویکردهای مختلف مطرح در گفتمان‌شناسی به عنوان روش در مطالعات تاریخی بهره گیرند. در این راستا، از روش‌شناسی‌هایی چون تحلیل گفتمانی و تبارشناسی فوکو، نظریه گفتمان لاکلا

و موف، رویکرد فرکلاف و وداک به تحلیل گفتمان و غیره در پژوهش‌های مختلفی استفاده شد.

اما کتاب حاضر در این میان از آن جهت حائز اهمیت است که توانسته است از رویکرد تنوون لیوون، که تفاوت‌های زیادی با رویکردهای دیگر دارد، به خوبی در یک پژوهش تاریخی جدی بهره‌گیرد و مسیری کاملاً متفاوت را در روش‌شناسی مطالعات تاریخی باز کند. امید است اثری که در دست دارید، به همراه کتاب گفتمان، هویت و مشروعیت و آثار دیگری که در راه‌اند بتوانند گامی در پیشبرد حوزه بسیار ضروری و مهم روش‌شناسی پژوهش تاریخی در ایران بردارند.

در اینجا لازم می‌دانم از دکتر حسن حضرتی استاد برجسته گروه تاریخ دانشگاه تهران که از ابتدا همراه دکترس بوده، در گزینش و معرفی پژوهش‌های تاریخی شایسته چاپ بسیار کمک کرده‌اند تشکر ویژه به عمل آوریم. نهایتاً از سرکار خانم دکتر فاطمه رستمی که با جسارت علمی‌اش همواره در پی بسوی راه‌های جدید است برای این که لوگوس را قابل دانسته و چاپ این اثر گران‌بهارا به ما سپرده است بسیار قدردانی کنیم. امید است این همکاری همچنان استمرار داشته باشد.

مجید خسروی نیک، دانشگاه نیوکاسل
سید علی اصغر سلطانی، دانشگاه باقرالعلوم
تیرماه ۱۳۹۷

پیشگفتار

رشته تاریخ در ایران یکی از علوم ارزشمند و در عین حال در حاشیه‌ترین آن در میان علوم انسانی است. ر.سوی ایرانیان میل به دانستن درباره مردمان گذشته، اسطوره‌ها و شنیدن تاریخ ماضی داشتند و از سوی دیگر همین عرصه شگرف و دلچسب آنگاه که به صورت آکادمیک در پی آید نه مایلی برای فهمیده شدن و نه فهمانده شدن دارد. وقتی صحبت از دلایل این معضل به میان می‌آید، برخی آن را دانشی می‌دانند که به روز نیست و تمام محتوا و درونمایه آن در گذشته است و برخی نیز معتقدند تاریخ هرچقدر هم تبیین گردد از آنجا که در حیطه نسبت به بعضی محصور مانده، نادیده انگاشته می‌شود.

از مهم‌ترین مباحث و راهکارهای مطرح شده از سوی استادان رشته تاریخ و صاحب‌نظران در دوره کارشناسی، رسد و دستیابی از آن روزها تاکنون استفاده تاریخ از رویکردهای بینارشته‌ای است. از آنجا که تاریخ بازسازی و شرح وقایع، حوادث و کنش‌های آدمی در گذشته است؛ برای درک تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه می‌بایست از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سایر علوم متعلق به موضوع پژوهش سود جست. پس از چندی این خرده‌گیری از سوی صاحب‌نظران علوم دیگر نظیر جامعه‌شناسی مطرح شد که محققان تاریخ از آنجا که روش‌های دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه را نیاموخته‌اند، ذهنی محدودتر نسبت به سایر رشته‌ها دارند و در طراحی و مهندسی طرح بینارشته‌ای کمتر موفق‌اند. از سوی محققان تاریخ نیز تعصبی سخت‌حاکم بر مبنی بر اینکه سایر علوم به بهانه عدم هویت مستقل تاریخ بدون توجه و شناخت به ابزار و شواهد تاریخی تنها در صدد اثبات نظرات کل‌گرایانه خود بوده و به بیراهه رفته‌اند.

خاطرم هست با استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر فرهنگی منفرد در جلسات متعدد بارها بر این نکته تأکید داشتیم تا روندی در موضوع پایان‌نامه در پیش گرفته شود که با حفظ اصالت تاریخ با رویکردی روش‌مند و چهارچوب نظری بتوان بر بحث وضعیت دو گفتمان برآمده از نهاد امارت و وزارت متمرکز شد. پس از دفاع دکتری چند سال طول کشید تا این ذهنیت به مرحله کمال برسد که می‌توان در کنار رویکرد زبانی که تنها بخشی از کار بررسی متون دوره تیموری است، با نگاهی کلی‌تر در خصوص تطور گفتمانی اندیشه حاکم

بر شاخص‌های نهاد وزارت و امارت در بستر تاریخی و سیر تحول آن از دوره ورود ترکان به ایران تا پایان عصر تیموری عمیق‌تر نگریست. بررسی این نمودها در خصوص نهاد وزارت و امارت و گذر این دو مرجعیت حکومتی در سیر تاریخی با اولین گزاره مقوله‌ای تحت عنوان «جدایی اهل شمشیر و اهل قلم» خواجه نصیرالدین طوسی نمود یافت. گذر از این مفهوم تحول گفتمانی کارکرد این دو در دوران پایانی تیموریان به خوبی از فهم و درک این دو سانس در راس حاکمیت پرده برمی‌دارد.

تألیف پیش رو با عنوان تحلیل گفتمان تاریخی: گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران به مناسبت تحقق اهداف مطرح شده به نگارش درآمده است. منظور از گفتمان جنگ در این کتاب گفتمان برآمده از نهاد امارت و گفتمان تدبیر در برگرفته نهاد وزارت است. در این اثر تلاش بوده که از ابهامات و تناقض‌های روشی که در دوران دانشجویی ممکن بود گریبان کاره بر داشته باشد دوری بجویم. همچنین بسیاری از فصول متن را جرح و تعدیل کرده برخی اضافات را باقی و برخی مطالب طویل را که مناسب با موضوع بحث نبود حذف کردم. همچنین حواشی محتوایی متن را از دوره محدود تیموریان به دوره وسیع‌تری از شروع تاریخ میانه ایران با آغاز ورود ترکان به قلمرو ایران اسلامی مورد واکاوی قرار دادم. از جمله معروف «جدایی اهل شمشیر و اهل قلم» که در وزارت نامه‌نویسان مطرح شد به عنوان حکم گفتمانی آغاز کرده به اواخر و تیرن گفتمانی آن در دوره تیموریان به پایان رسانده‌ام.

در پایان لازم می‌دانم از دوستان، اساتید و همراهان نزدیکی که مرا در درک، فهم و نشر این کتاب یاری کردند صمیمانه تشکر کنم. برخیز لازم می‌دانم از حمایت‌های دلسوزانه و عالمانه استادانم چه در کلاس درس و چه در جلسات محارث پایان نامه دکترای صمیمانه تشکر کنم. جناب دکتر مهدی فرهانی منفرد، دکتر اسحاق حسین زاده، جناب دکتر علی محمد ولوی و دکتر فرهاد ساسانی از بزرگواری بودند که بهره‌های فراوانی از دانش‌شان به دست آوردم.

همچنین دوستان نازنینی که در امر نوشتن و به چاپ رساندن این اثر مساعدت نمودند خود قرار دادند. از جناب آقای دکتر علی اصغر سلطانی که قبل از آماده‌سازی کتاب در مرحله چاپ متن را خواندند و پیش‌تر در جلساتی چند ساعته در خصوص مباحثات گفتمانی مشاوره‌های نیک و مفید ارائه دادند سپاسگزارم. قطعاً این اثر پراز نقایصی است که بار مرتفع شدن آن بر دوش عزیزانی است که آن را می‌خوانند و به بوت‌ه نقد خواهند کشید و اگر لطفشان شامل حال من گردد بر عمق آن خواهند افزود.

فاطمه رستمی

بهار ۱۳۹۷

۱ مقدمه

تعامل و تقابل نهاد امارت و وزارت از مسائل مهم تاریخ میانه ایران محسوب می شود. هر یک از این دو نهاد را خوراک رشدشان در ساختار حاکمیت تأثیر بسزایی در ساختار سیاسی قدرت داشته اند. در یک سو نهاد مارت حضور داشت که غالباً توسط افراد غیربومی ترك نژاد اداره می شد. این اقوام که از بدوین های آن ساری رود جیحون (فرارود) به مرزهای ایران وارده شده بودند، به شیوه دامداری و نظام خویباروند. امرار معاش می کردند و بنا بر نوع معیشتشان در امر جنگ آوری مهارت داشتند. بخشی از این اقوام در دوران خلافت معتصم و واثق جایگزین نیروی نظامی اعراب شدند که بعدها برای دستگاه خلافت خطری جدید به شمار می آمدند. معتصم از اینان جهت دود ساختن نیروهای معاند با خلافت بهره جست. پس از آن امرای ترك در حوزة امارت که سبب وحیه جنگ آوری و سپاهی گری شان بود، به مراتب عالی دست یافتند، تا جایی که برخی از این امرای نظیر سبکتکین و البتکین به تأسیس حکومت غزنویان نائل آمدند. از سده های بعدی به ویژه از قرن چهارم و پنجم هجری آرام آرام حضور این اقوام در عرصه سیاسی پررنگ گردید. مهم ترین خصیصه این گروه قوه نظامی گری و مبارزه بود. از آنجا که حاکمان نظامی بنا بر اقتضا نوع زندگی و معاش خود فاقد آیین کشور داری و نهاد وزارت بودند، لذا از حضوری ایرانی در جهت تحقق این امور مدد می جستند.

در سویی دیگر ساختار قدرت، نهاد با سابقه وزارت حضور داشت که به دست دیوان سالاران کهن ایرانی اداره می شد. این دیوان سالاران عموماً ایرانیانی بودند که در زمینه اشاعه فرهنگ و دیوان سالاری ید طولایی داشتند. در تاریخ ایران یک وزیر غالباً

علاوه بر منصب وزارت، دبیر و مورخ نیز بود. نمونه‌های برجسته وزرایی نظیر بلعمی، بیهقی، خواجه نظام الملک، عطاءالملک جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله بودند که هم در عرصه وزارت و هم نویسندگی تبحر کافی داشتند. این قبیل افراد اگرچه در آثار خود به شرح سیاسی و نظامی حکومت‌گران می‌پرداختند، اما نگاهشان نسبت به امرای ترک نوأم با مذمت و نکوهش بود. انعکاس این نوع نگاه را می‌توان در متون دوره ایران اسلامی به وضوح مشاهده کرد و از آنجا که نگارش تاریخ با قلم وزیران و یا نمایندگان گفتمان تدبیر مزین می‌گشت، شرح وقایع، توانایی‌ها و نکات مثبت امیران در این‌گونه آثار به خوبی انعکاس نیافته، به‌جای آن در پاره‌ای مواقع اقدامات منفی اینان پررنگ‌تر جلوه می‌کرد.

تقریباً این حکمت‌گران و امرای‌شان با نهاد وزارت در گزاره «گروه اهل قلم» و «اهل شمشیر» مطرح شد. یکی از افرادی که از اصطلاح «اهل قلم» و «اهل شمشیر» تحت عنوان جدال میان این دو نهاد استفاده کرد، خواجه نصیرالدین طوسی بود. خواجه در کتاب *اخلاق ناصری* با اشاره به این مطلب محدود وظایف هریک از دو نهاد مذکور را شرح داده است. در تقسیم‌بندی حکمت‌گرایان، بنایگاه نخست از آن اهل قلم بوده و اهل شمشیر در جایگاه دوم قرار داشتند؛ درحالی‌که اهل شمشیر حرمت را سامان می‌دادند، اهل قلم وقایع را می‌نوشتند. بدین معنی که اهل شمشیر نحوه نظامی و سپاهی‌گری را برعهده داشته و اهل قلم طلایه‌دار فرهنگ بودند. از مهم‌ترین نمودهای عینی و عناصر حضور وزارت در بخش مرجعیت تکیه نهاد وزارت بر دو مولفه خردملک‌داری و هنر نویسندگی بود. از آنجا که وظیفه نویسندگی و ثبت حوادث به دست گروه اهل قلم بود، این دلیل جهت‌گیری‌ها در منابع غالباً یک سویه بوده است؛ زیرا در این دوره هیچ نیرو یا حکومت‌گری در جهت حمایت از گروه خویش دست به قلم نبرد.

با روی کار آمدن تیموریان، این شرایط دستخوش تحول گردید. مهم‌ترین وجه تمایز دوره تیموری با سایر دوره‌های قبل، تداخل محدوده وظایف امرا و وزرا در ساختار حکومت بوده است. در این دوره دو گروه امرا و وزرا در قالب دو دیوان «تواچی» یا «ترک» و «سنان» یا «سرت» ایفای نقش کرده و در حقیقت بدنه اصلی دستگاه حکومت را تشکیل می‌دادند. در این میان غالباً کفه ترازو به نفع نهاد امارت سنگین‌تر بود، زیرا در این دوره امرای تیموری علاوه بر پشتوانه جنگ‌آوری و صیانت از حاکمیت به دلیل تأثیر حضورشان در شکوفایی فرهنگ، خود را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی محق می‌دانستند. سیطره قدرت امیران بسان چتری بر دستگاه حکومت تیموریان سایه افکنده بود. در تأیید این مطلب

می‌توان به نقش شاهزادگان تیموری نظیر شاهرخ، الغ بیگ، بایسنقر، ابوسعید تیموری و در نهایت سلطان حسین بایقرا در زمینه اعتلای فرهنگ دوره تیموری اشاره کرد.

اگرچه منابع دوره تیموری به تفرقه‌های چند تن از وزرای دربار جهت بازپس‌گیری حیثیت دیوانی به وزرا اشاره کرده‌اند، اما در عمل این تلاش‌ها ره به جایی نبرد. در این دوره، وزرا عموماً قربانی جاه‌طلبی و اقتدار امرا گردیدند. اوج این کشمکش‌ها را می‌توان در دو سلطان حسین بایقرا مشاهده کرد. وزرایی نظیر خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک حوافی، مجدالدین محمد کرمانی از زمره همین افرادند که قدرت امرایی نظیر امیر علی شیر نوائی آنان را در حدی که قدرت کنار زد. نفوذ این امرا تا بدانجا بود که امرایی نظیر امیر نظام‌الدین احمد و امیر علی شیر نوائی عهده‌دار یکی از مهم‌ترین مناصب دیوانی، یعنی «دیوان امارت اعلی» شدند.

این تحول و برخورد تنها در زمینه سیاسی حاصل نشد. در بعد فرهنگی نیز شاهد ظهور شخصیت‌های برجسته‌ای هستیم که این بار در منصب امارت به تألیفات مهمی دست زده‌اند. در مجالس‌النایس امیر علی شیر نوائی و یا در تذکره الشعرا سمرقندی از شمار زیادی از امرای شاعر یاد شده است که در عرصه فرهنگی خوش درخشیدند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت، اگرچه فرهنگ‌شناسان یادگسترده‌ای چون هنر، معماری، ادبیات و... است، در این پژوهش تنها بعد فرهنگی و تألیف اثر مدنظر قرار گرفته است.

هدف اصلی این کتاب نمایان ساختن تطور گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران است. مراد از گفتمان جنگ مولفه‌های موثر در نهاد امارت و محورهای گفتمان تدبیر کارکرد نهاد وزارت است. سوال‌های مطرح شده عبارتند از شاخص‌های گفتمان جنگ و تدبیر تا قبل از دوره تیموری چه بود، چه عواملی سبب ظهور این گفتمان‌ها بود، در ادامه تطور گفتمان جنگ و تدبیر در دوره تیموری چگونه تغییر یافت و عوامل دربر این تحرخش و تحول چه بود. پیش فرض‌های مطرح شده عبارتند از: تا پیش از تیموری نهاد امارت و وزارت با گفتمان جنگ و تدبیر با محوریت شاخص هنر نویسندگی و خرد ملک‌داری با نهاد دیوانی و وزارت از یک سو و تمایل به نظامی‌گری از سوی گفتمان جنگ شناخته شده بود. این شاخص‌ها هم در متن و هم فرامتن نمود عینی داشت. اما با روی کار آمدن تیموریان این گفتمان دستخوش تحول شد. در دوره تیمور و جانشینش شاهرخ در جریان مشروعیت بخشی به خاندان جغتایی در قالب طرح تألیف و تنظیم نسب‌نامه نویسی توسط مولفان حامی گفتمان جنگ سبب تقویت گفتمان جنگ در منابع دوره نخست گردید. تمایل

امیرزادگان تیمور به رویکرد فرهنگی و فاصله گرفتن از اهداف مشروعیت بخشی در سال های پایانی حکومت شاهرخ سبب تقابل گفتمان جنگ و برابری آن با گفتمان تدبیر در منابع دوره میانی شد. از منظر فرهنگی، مشارکت و حضور چشمگیر امیران تیموری در عرصه فرهنگ و تعامل آنان با فرهنگ مردان روزگار خود، سبب شدت تقابل دوگفتمان جنگ و تدبیر هم در منابع دوره پایانی شد.

از میان پژوهش های محققان ایرانی نخستین اثری که در آن به هر دو جنبه از ساختار حکومت و شخصیت های سیاسی و فرهنگی عصر تیموری توجه شده، کتاب پیوند سیاست و فرهنگ، از زوال تیموریان تا روی کار آن صفویان مهدی فرهانی منفرد است. او در این اثر به واکاوی ساختار سیاسی و فرهنگی دوره سلطان حسین بایقرا پرداخته و نقش نخبگان فرهنگی و سیاسی سلطان حسین بایقرا را ارزیابی کرده است. فصل دوم از آن حیث که به موضوع شکاف میان دزیران امیران دربار سلطان حسین بایقرا و جناح بندی حامیان آنان اشاره داشته، با موضوع بایفی حاضر منخیت دارد. اطلاعات نویسنده در این بخش متکی بر مستندات تاریخی است، اما صاحب مطرح شده در این خصوص، کلی و تنها در حد یک فرضیه مطرح شده و چنانکه خود به آن اشاره کرده است پرداختن به این جنبه از مناسبات عصر تیموری به بررسی همه جانبه و منتقل نیازمند است.

از میان نویسندگان خارجی آثار بنی ریس فوربس منز،^۱ سابتلنی^۲ و جان وودز^۳ دربرگیرنده بیشترین اطلاعات به حساب می آیند. یکی از مهم ترین این پژوهش ها و البته ارزشمندترین شان در حیطه تاریخ نگاری دوره تیموری منز با عنوان «آغاز تاریخ نگاری تیموریان»^۴ است. در این حیطه به جز اندک آثار نظیر اثر مختصر تاریخ نگاری عصر تیموری نوشته فلیکس تائور که یعقوب آژند آن را با ترجمه به زبان مطلوب در مجموعه تاریخ نگاری در ایران^۵ گرد آورده، اثری به رشته تحریر در نیامده است. اهمیت نوشتار وودز در نوع نگاهی است که نسبت به تاریخ نگاری این دوره داشته است. او در این مقاله با نگاهی انتقادی به بررسی منابع دوره تیموری پرداخته و آنها را در قالب جدولی معرفی کرده است.

1. B.F. Manze

2. M. Eva Saubtelny

3. J. Woods

4. John E. Woods (1987) The rise of timurid historiography, Journal of near eastern studies, vol 46, no.2, pp 81-108 .

۵. یعقوب آژند، تاریخ نگاری در ایران، ترجمه و تالیف، تهران: گستره، ۱۳۸۰.

بئاتریس فوربس منز نیز از دیگر پژوهشگران عرصه تاریخی است. پژوهشگران عرصه تاریخ عموماً وی را به واسطه تألیف دو کتاب *برآمدن و فرمانروایی تیمور*^۱ و *قدرت، سیاست و مذهب در ایران دوره تیموری*^۲ می‌شناسند. وی حاصل دستاوردهای خود در این اثر را بعدها در مقاله «خاندان و حکمران در تاریخ‌نگاری تیموریان»^۳ انعکاس داد.

از ویژگی‌های مثبت این نوشتار اشراف منز بر متون دوره تیموری است. تحلیل‌ها بر پایه ارائه تاریخی قرار داشته و همین امر سبب غنا بیشتر پژوهش شده است. اطلاعات سودمند منز در خصوص تأثیر مشروعیت سیاسی تیمور بر تاریخ‌نگاری دوره تیموری از مباحث جالب‌توجه است. مقاله حاضر محسوب می‌شود. مقاله دیگر از او با موضوع مشروعیت بخشی به تیمور رواج نسب‌نویسی در تاریخ‌نگاری دوره جانشینان تیموری نوشته شده است.^۴ یکی از همین مقالات «تیمور و جانشینانش»^۵ است که نویسنده در آن به بررسی اقدامات مورخان دوره تیمور در جهت نسب‌نویسی خاندان تیمور و جغتایی پرداخته است. مقاله «رسانه‌گردهای جانشینان در نیروی نظامی تیموریان»^۶ نیز از همین نویسنده در بخش شناسایی ساختار نظامی حکومت تیموری کمک شایانی به نگارنده کرده است. این نوشتار ادامه و مبحث مقاله دیگری از او با نام «قدرت نظامی در سپاه عصر مغول و تیموری»^۷ است. مطالعه این نوشتار به منظور تشخیص تشکیلات نظامی علاوه بر دوره تیموریان، مقطع تاریخی ماقبل آن یعنی مظفریان و جلایریان را نیز در بر می‌گیرد.

۱. بئاتریس فوربس منز، *برآمدن و فرمانروایی تیمور (تاریخ ایران و آسیای مرکزی در سده‌های هشتم و نهم هجری)*، ترجمه منصور صفت گل، تهران، رسا، ۱۳۷۷.

۲. همو، *قدرت، سیاست و مذهب در ایران دوره تیموری*، ترجمه جواد عباسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰.

۳. عنوان اصلی مقاله:

Beatrice Forbes Manz (2001), "Family and Ruler in timurid historiography", in Dewese studies on central Asian history, indiana, pp 57-78.

۴. یکی دیگر از مقالات او در زمینه مشروعیت تیمور این مقاله است:

Beatrice forbes manz, "Tamerlane and the symolism of sovereinnty", iranian studies, v 21, issue 1-2, januray 1988, pp105-122.

5. B. F.Manz(2002) "Tamerlanes career and its uses", Journal of word history, vol 13, no 1, pp 1-25.

6. Manz(2005) "Nomad and Settled in the Timurid Military", in Reuven Amitai and Michal Biran, ed , *Mongols, Turks, and Others: Eurasian Nomads and the Sedentary World*, Brill.

7. Manz (1887) "Military Manpower in Late Mongol and Timurid Iran," in *Proceedings of the Third Colloquium of the Institut Français d'Etudes sur l'Asie Centrale*, in *Cahiers d'AsieCentrale*.

یکی دیگر از ایران شناسان غربی که می‌توان اشاره را همپای آثار منزدانست، ماریا اوا سابلتنی است. حوزه مطالعات این محقق طیف وسیعی از عرصه‌های مختلف هنر، فرهنگ و تاریخ دوره تیموری را دربر می‌گیرد. از میان آثار متعدد این نویسنده می‌توان به کتاب «مروفتش تحت عنوان حلقه شعری دربار سلطان حسین بایقرا و ملاحظات سیاسی»^۱ اشاره کرد. مسائل طرح شده در این اثر با فرضیه‌های مطرح در این کتاب مطابقت دارد. یکی از مباحث مهمی که در این نوشتار به آن توجه شده، درگیری و تقابل میان صاحب قدرت و عرصه سیاسی و فرهنگی دوره پایانی تیموریان است. سابلتنی در این اثر، «روشن‌سازی حاکم بر دوره سلطان حسین بایقرا را تشریح کرده و بر نقش موثر سردمداران و نهادهای دولتی و وزارت تأکید داشته است. مقاله «پایه‌های اجتماعی و اقتصادی حمایت فرهنگی حرکتگران تیموری»^۲ نیز درخور توجه است. این مقاله به همراه مقاله‌ای دیگر با همین محتوا در همین نشریه (مطالعات ایران‌شناسی) تحت عنوان «اصلاحات بنیادی و مخالفان آن در دوره پایانی حکومت تیموری»^۳ به واکاوی منازعات سیاسی دربار تیموریان در اوایل سال‌های حکومت تیموریان می‌پردازد. مولف در این نوشتار شرحی دقیق و نسبتاً مبسوط از دیدار سلطان حسین بایقرا نظیر خواجه مجدالدین خوافی و خواجه قوام‌الملک خانی و نقش موثرشان در تصمیم‌گیری‌های سلطان حسین بایقرا ارائه داده است، این در حالی است که اکثر پژوهش‌های موجود در این زمینه تنها بر نقش امیر علی شیر نوایی به عنوان شخصیت محوری در مناسبات سیاسی و فرهنگی تأکید داشته و از حضور وزیران سخنی به میان نیاورده‌اند.

مقاله «همزیستی ترک و تاجیک»^۴ اگرچه به مباحث کلی و ریشه‌های تاریخی روابط ترکان و تاجیکان توجه داشته و در تحلیل مباحث تاریخی مدخل رساله دکترای فرامانی کرده است. جا دارد در همین جا به مقاله‌ای دیگر با همین محتوا از جان پری تحت عنوان «نقش تاریخی رابطه میان ترکان و ایرانیان در ایران» اشاره کرد. وجه تشابه هر دو مقالات معروف دو عنصر ترک و تاجیک و نوع مناسبات‌شان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است. با این

1. M.E.Subtelny(1979)The poetic circle of the court of the timurid sultan husian baiqara and its political significance.harvard university.

2. subtelny(1988) "Socioeconomic bases of cultural patronage under the later timurids", international journal of middle east studies, vol 20, no 4, pp 479-505.

3. Subtelny(1988) Centralizing Reform and Its Opponents in the Late Timurid," Iranian Studies", Vol. 21, No. 1/2, Soviet and North American Studies on Central Asia,PP 123-151.

4. Subtelny(1994) "The Symbiosis of Turk and Tajik", in:B. F. Manz (ed.), Central Asia in Historical Perspective, Westview Press, Boulder-San Francisco-Oxford, esp. p. 51-52.

تفاوت که در مقاله جان پری روابط ترکان و تاجیکان در تطور تاریخی ایران مدنظر بوده و حال اینکه سابتنی بیشتر به مباحث نظری اشاره داشته است.

مقاله «میراث تیمور: یک تصدیق و ارزیابی مجدد»^۱ از دیگر پژوهش‌های سابتنی در دوره اول حکومت تیموری است. پیام اصلی مقاله به تصویرکشاندن جلوه‌های گوناگون فایده‌های فرهنگ دوره تیموری است. اظهارات سابتنی در خصوص فرهنگ دوره تیموری شامل همه مظاهر فرهنگی چه رونق کشاورزی، طراحی باغ‌ها و چه اعتلا فرهنگ و ادب است. از آن تحت عنوان میراث تیمور تعبیر می‌کند. علاوه بر سابتنی، جان وودز و بناتریس منزکه به بررسی تخصصی به تاریخ دوره تیموری پرداخته‌اند، مقالات دیگری از سایر محققان ردست است که عمدتاً رونویسی و تکرار مطالب نویسندگان قبلی است. مقاله جان استفان بریکس با نام «میراث تیموریان»^۲ از جمله همین آثار است.

بخش دوم مطالعات درباره روش تحلیل گفتمان و نحوه به کارگیری آن در مباحث تاریخی از جمله موضوعات مهمی است. از میان آثاری که در زمینه رویکرد تحلیل گفتمان در مباحث تاریخی کار شده، می‌توان به آثاری اشاره کرد که با نگاهی نو به تحلیل گفتمان موضوعات تاریخی پرداخته‌اند نظیر کتاب قدرت، گفتمان و زبان سید علی اصغر سلطانی^۳ از جمله این آثار است که در آن نویسنده با روش کار پری کردن روش تحلیل گفتمان در تاریخ سیاسی ایران است. اثر دیگر در این زمینه قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام^۴ اثر داود فیرحی است. نویسنده در این اثر با رویکرد تحلیل گفتمان فوکو به تحلیل اندیشه سیاسی قرون میانه اسلام پرداخته است. علی‌رغم غنی بودن محتوای تاریخی، نویسنده در بخش روش‌شناسی نتوانسته است رابطه منطقی میان مباحث نظری و محتوای تاریخی برقرار سازد. بخش اعظم اثر شامل کلمات و عبارات پیچیده و ثقیل روشی است که در عمل کمکی به نگارنده در پیشبرد اثر نکرده است. همین ویژگی در مقاله «گفتمان و مشروعیت در فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه قاجار» اثر علی رجبلو نیز مشهود است. نویسنده در این مقاله با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فوکو به تحلیل متن فرمان مشروطیت

۱. M. Subtelny(1997) "The Timurid Legacy: A Reaffirmation and a Reassessment.", L'héritage timouride": Iran - Asie centrale - Inde, XVe-XVIIIe siècles, pp. 9-19.

۲. Stephen Frederic Dale(1998) "The Legacy of the Timurids", Journal of the Royal Asiatic Society, Third Series, Vol. 8, No. 1, pp. 43-58.

۳. سید علی اصغر سلطانی، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

۴. داود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.

مظفرالدین شاه پرداخته و گفتمان غالب بر متن مذکور را شناسایی کرده است، اما بخش اعظم اثر بیشتر معطوف به معرفی روش های تحلیل گفتمان انتقادی بوده است.

اثر پیش رو با نگاهی نو به مقوله تطور گفتمان جنگ و تدبیر پرداخته است. برای نیل دین منداور اثر حاضر بر مبنای شش فصل تنظیم شده است. فصل نخست شامل طرح مسأله، سوالات، فرضیات، هدف و پیشینه تحقیق است. در این فصل نگارنده به طراحی سوالات و فرضیاتی در خصوص تطور گفتمان جنگ و تدبیر در منابع دوره تیموری پرداخته و می کوشد تا غدد اصلی در خصوص موضوع و ضرورت پرداختن به آن را برای مخاطب بازگو کند.

فصل دوم با موضوع روشی مرتبط است. در این فصل مدل بازنمایی مولفه های گفتمان مدارون یرون با عنوان «روش روشی معرفی شده است. نگارنده بر این باور است که استفاده از روش بازنمایی مولفه های گفتمان محور در متون تاریخی، ایرادات زبان شناسان مبتنی بر نگاه تک بعدی و ابزار گونه با تحلیل متر را از میان برده، خلاهای ناشی از صاحب نظران تحلیل گفتمان انتقادی را در خصوص عده ارائه روش مرتفع خواهد کرد.

در فصل سوم که در حقیقت مسأله انتخاب متن محسوب می شود، مختصری از تاریخچه دو نهاد امارت و وزارت و سیر تطور آن در تاریخ میانه ایران سخن به میان آمده است. در بخش دوم از همین فصل شاخص های هر یک از گفتمان جنگ و تدبیر مشخص گردیده است. دو فصل پایانی که قسمت های اصلی کتاب را تشکیل می دهند، به تطور گفتمان جنگ و تدبیر در منابع دوره عصر تیموری اختصاص یافته است. از آنجا که اکثر نویسندگان این قبیل منابع با جهت گیری نسبت به یکی از گروه امرا و یا وزیران دست به نگارش آثار خود زده اند، بررسی و تعمق این بخش ها در منابع دوره تیموری از جمله ضروریات است. برای انجام این مهم، پژوهش حاضر از منابع تاریخی دوره تیموری بهره خواهد برد، اما از آنجا که این منابع به نهایی قادر به معرفی گفتمان های جنگ و تدبیر نیست، کنار منابع تاریخی، منتخبی از کتب ادبی چون تذکره های ادبی و منشآت دوره ساهیخ تیموری تا پایان حکومت سلطان حسین میرزا باقرا مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. تلاش بر آن است تا آثاری از هر دو جناح گفتمان جنگ و تدبیر برای شناسایی تعامل و تقابل گفتمانی انتخاب شود تا از میان آنها بتوان به شناسایی و تبیین گفتمان های مرتبط با تحولات نهاد امارت و وزارت دست یافت. فصل چهارم به تجزیه و تحلیل مولفه های گفتمان مدار در منابع دوره تیمور و شاهرخ اختصاص یافته است. این فصل به دو بخش

تحلیل گفتمان گزارهای متون منتخب و بخش تحلیل و تبیین کنشگران اجتماعی تقسیم شده است. در بخش نخست دو کتاب *ظفرنامه یزدی* و *زبده/التواریخ* حافظ ابرو مبنای تحلیل زبان شناختی قرار گرفته که در بخش تکمیلی تحلیل داده ها کتاب *ظفرنامه شامی*، *شمس الحسن تاج السلمان* و *جامع/التواریخ حسنی* به جمع آن دو اضافه خواهند شد. سپس در سبب بحث معرفی کنشگران اجتماعی به بحث و بررسی دو ساختار نهاد امارات و وزا، خواهیم پرداخت. مطابق با همین دسته بندی در فصل پنجم رویکرد روشی بر روی *واثر حبیب السیرفی اخبار نوع البشر خواندمیر* و کتاب *روضات الجنات فی اوصاف مدینه - الیهراک* معین الدین زبیدی اسفزاری انجام شده، در تکمیل این مبحث از آثار صاحبان قلم دوره پایانی، نظیر *عیر علم شیر نوایی*، *بنایی هروی*، *واصفی بهره خواهیم برد*. شرح روابط و منازعات فرهنگی این افراد، ر قالب کنشگران اجتماعی به موازات تکاپوهای سیاسی شان در ساختار حکومت مملو ارزیابی می گیرد.

در تمامی این نوشته تلاش شده تا در کنار مستقل بودن هر فصل، میان فصول شش گانه کتاب پیوندی معنادار و انسجام کلی برقرار شود. به موازات آن سعی نگارنده بر آن بوده تا هر یک از فصول تنظیم شده به روشن شدن زوایای مبهم و تاریک تحول گفتمانی نهاد وزارت و امارت در منابع دوره تیموریان و صفویان، امید است این اثر بتواند افقی تازه در مباحث گفتمانی متون تاریخی باز کند و دستاوردهای آن به محققان عرصه تاریخ در زمینه پژوهش هایی از این دست یاری برساند.